

مریم رجوی: عید فطر، عید رهایی از کرونای ولایت
خرداد ۱۳۹۹

مصادف با سالگرد شهادت بنیانگذاران مجاهدین
بشارت‌دهندگان فطر آزادی و عدالت

عید فطر بر شما روزه‌داران و هموطنان عزیز در سراسر ایران گرمی باد.

فطریه تاریخی مجاهدین در روز ۴ خرداد خون بنیانگذاران و راهبران تاریخی این سازمان است. بشارت‌دهندگان فطر آزادی و عدالت که تاریخ این میهن را ورق زدند. حنیف کبیر، سعید محسن، اصغر بدیع‌زادگان و یارانشان محمود عسگری‌زاده و رسول مشکین‌فام.

عید فطر برای مجاهدین بین‌الملل آزادی و بازگشت به سرشت حقیقی انسانی در برابر شاه و شیخ است. هر چند شهرها و روستاهای ما امروز از شیوع کرونا پررنج و مصیبت است و هرچند که حاکمیت ولایت فقیه و اختناق و فقر، چهره جامعه را پردرد کرده است، اما در گیر و دار همین دردها و رنج‌ها، نوید رهایی شنیده می‌شود.

عید فطر، سمت‌گیری ضروری و بشارت پیروزی برای جامعه ماست که از کوره خشمش آتشفشان آبان فوران کرد.

برای مردم ما که زیر فشار مصائب کرونا روز به روز نارضایتی و عصیان خود را نسبت به‌آخوندها انباشته می‌کنند

و برای جوانان شورشگر و کانون‌های شورشی که برای سرنگونی رژیم تبهکار روزشماری می‌کنند، عید فطر نوید حتمی پیروزی است.

فطر آزادی از دل نبرد مردم ایران با رژیم فرا می‌رسد

در دعای عید از خدا مسئلت کردیم که مردم ما را از تمامیت سوء و زشتی خارج و به بهترین نیکی‌ها و زیبایی‌ها وارد کند.

بهترین خیر زمانه، چیزی جز مجاهدت تمام‌عیار برای نابودی رژیم پلید آخوندها این غاصبان حق حاکمیت و آزادی مردم ایران نیست.

عید فطر، جشن آزادی از زنجیرهای اجبار و بندگی است؛ جشن توانستن و جشن بایستن انسان است. نشان می‌دهد که آگاهی و اختیار انسان، یعنی ویژگی‌های اصلی انسانی‌اش می‌تواند رفتار او را سوق دهد. محکوم نیست. بیچاره نیست. دنباله‌رو نیست. در جبر غرائز نیست و برای ساختن دنیای نو و مناسباتی بر اساس رهایی و برابری، دریایی از توانایی دارد. قدرت نبرد با اندیشه‌های استثمار و ضدتکاملی را دارد.

علی‌علیه‌السلام گفته بود روزه گرفتن نه ریاضت و نه محرومیت بلکه یک نوع نبرد است. از روزه‌داران و همهٔ مسلمانان باید پرسید نبرد با چه نیرویی؟ با نیروهای سلب‌کننده فطرت و هویت انسانی، سلب‌کننده اراده رزمنده انسان در پهنه فردی و اجتماعی، نبرد با نظام‌ها و ایدئولوژی‌هایی که انسان را به بند می‌کشند و در تاریخ معاصر ما: نظام شاه و شیخ. از دل این نبرد است که فطر آزادی حلول می‌کند.

پس موضوع این عید - مثل سایر عیدها - گوهر انسانی و سرنوشت تابان انسان است. انسانی که در عید قربان از توانایی بی‌کران خود برای فداکاری تجلیل می‌کند.

در رمضان قدرت تعیین‌کننده آگاهی و اختیار خود را بارز می‌کند، در شب‌های قدر به تغییر سرنوشت آری می‌گوید و در عید فطر، پیروزی خود را جشن می‌گیرد.

در آموزش‌های مجاهدین «هرعید بازگشتی است به اصل و هماهنگی و انطباق با آن. بازگشت تکاملی و آگاهانه به سرچشمه و سرمنزل رهایی و رستگاری. پس نه واگشتی در کار است و نه تکرار و دور کور. هر چه هست، تکاپوی پر رنج و خون و سیر مداوم است برای زدودن آثار بیگانگی و غلبه بر موانع وصل و یگانگی.

فرزند انسان این‌چنین بر "فراق" و "جدایی‌ها" و تبعیضات جنسی و قومی و طبقاتی غلبه می‌کند. تا نهایتاً با پالایش، از دنیای وحشی و حیوانی، یعنی پالایش از دنیای غریزه و اجبار به سوی دنیای آگاهی و اختیار، یعنی به "سر" بی‌همتای وجود خودش، سر بی‌همتای خداگونه، دست یابد...».

در پایان رمضان، چه روزه‌دار و چه کسی که نتوانسته روزه بگیرد باید فطریه بپردازد. به اندازه طعام و سیر کردن یک گرسنه در سه وعده. پرداختن فطریه، نشانی از این تعهد است که در جامعه نباید هیچ گرسنه‌یی وجود داشته باشد.

هنگامی می‌توان از بازگشت به فطرت انسانی سخن گفت که گرسنگی و فقر و مسکنت، از جامعه بشری رخت بر بسته باشد.

خلیفه ارتجاع می‌خواهد از کرونا برای رژیمش عامل بقا بسازد

خواهران و برادران،

هموطنان عزیز،

در قیام بزرگ آبان آخوندها به روشنی دیدند که در گرداب نابودی سقوط کرده‌اند و راهی برای خروج از موقعیت سرنگونی ندارند. بنابراین چند هفته بعد که فاجعه بیماری با سیاست ضدبشری خود رژیم، همه‌گیر شد، خواستند با کرونا پرده ضخیمی روی آتش زیر خاکستر نارضایتی‌ها بکشند. می‌خواستند شعله‌های سرکش قیام آبان با ۱۵۰۰ شهید سرفرازش را محو کنند؛ به طوری که این شورش اجتماعی که یکبار در صدها نقطه کشور رژیم را هدف قرار داد، انگار اصلاً اتفاق نیفتاده است.

با شیوع کرونا آخوندها خود را در وضعیت فوق‌العاده خطیر یافتند. به قول مطبوعات حکومتی به عیان دیدند «کوچکترین خطای محاسباتی در مدیریت این بیماری» برای موجودیت‌شان فاجعه می‌سازد و بازنده بزرگ کرونا می‌شوند و خواهند شد.

بله، ولی فقیه ارتجاع آتشفشان قیام و خشم خلق را در چشم‌انداز می‌بیند. بنابراین برای حفظ رژیم، خامنه‌ای و روحانی به جای مقابله با کرونا، به صورت تمام عیار به امنیت رژیم اولویت دادند. از صرف حداقل بودجه لازم برای درمان جامعه جلوگیری کردند تا از بودجه سرکوب و اختناق در داخل ایران و جنگ و جنایت در منطقه چیزی کم نشود.

از به‌کارگیری امکانات و تجهیزات سپاه و ارتش برای یاری رساندن به بیماران خودداری کردند تا همه چیز را برای امنیت نظام در دست خود داشته باشند.

از تخصیص اندکی از ثروت‌های انباشته در ستاد اجرایی خامنه‌ای و بنیادهای غارتگر برای مقابله با فاجعه بیماری طفره رفتند. به جای آن، به‌گران کردن کالاها نظیر نان رو آوردند. و راه افزایش قیمت ارز خارجی برای تأمین بودجه دولت ورشکسته را باز گذاشتند.

بله سردمداران رژیم، بین هزینه کردن از ذخایر ارزی و سایر منابع مالی برای مهار فروپاشی اقتصادی از یک طرف؛ و فرستادن مردم محروم و زحمتکش به مراکز تولیدی از طرف دیگر، دومی را در پیش گرفتند و باعث گسترش بیماری شدند.

بعدهم با وقاحت آخوندی گسترش فاجعه کرونا را به گردن مردم انداخته و آنها را سرزنش می کنند.

امروز استان خوزستان قربانگاه کرونا شده است. به طوری که در روزهای آخر اردیبهشت بیش از هزار نفر از مبتلایان در این استان جان باخته اند و این یکی از نتایج همین سیاست ضدبشری است. مقام های رژیم به روشنی اعتراف می کنند که بالا گرفتن بیماری در خوزستان از ۲۳ فروردین، یعنی از شروع بازگشایی ها بوده است.

واقعیت این است که خلیفه ارتجاع می خواهد از کرونا برای رژیمش عامل بقا بسازد. به همین دلیل آخوندها تلاش کردند واقعیت جنبش اعتراضی عظیم و در حال گسترش را بپوشانند، تلاش کردند، اثرگذاری فزاینده کانون های شورشی و شوراها را مقاومت را کتمان کنند و تلاش کردند قرار گرفتن بی بازگشت رژیم در موقعیت سرنگونی را انکار کنند.

وحشت خامنه ای از روی آوردن جوانان به مجاهدین و کانون های شورشی

برای این هدف ها، آخوندها به زنجیره ای از فعالیت ها و هجوم در زمینه های مختلف دست زدند. مانند:

- حملات موشکی در عراق به جانب نیروها و تأسیسات آمریکایی.
- فرستادن ماهواره به فضا،
- یورش و دستگیری های گسترده مخصوصا از جوانان شورشی و خانواده ها و هواداران مجاهدین و شکنجه و ارباب آنها و صدور سیرک و مزدور به آلبانی با ۸ هزار امضا تحت عنوان خانواده مجاهدین که در بحبوحه کرونا و فاصله گیری اجتماعی، می گویند دلشان برای مادران و پدران شان در اشرف ۳ تنگ شده، این دلتنگی ۱۰ سال است که از اشرف تا عراق تا اشرف سه در آلبانی کماکان ادامه دارد!
- عقبه این سیرک در خارج از کشور هم در حوض ارتجاع و عقب ماندگی شعارهایش همان شعار «۲۸ مردادی» جاوید شاه است که اهانت به تاریخ و انقلاب و تمام مردم ایران است؛ میلیون ها

مردمی که با شعارهای مرگ بر شاه، استبداد سلطنتی را سرنگون کردند و زندانیان را آزاد کردند. اگر جاهلیت و ارتجاع آخوندی ۱۴۰۰ سال سابقه دارد، سابقه اینان بسا بیشتر است و به هزاره‌های پیشین می‌رسد. به روزگاری که کاوه آهنگر بر ضحاک ماردوش قیام کرد. حالا هم واقعیت قیام و مقاومت و واقعیت فاز پایانی رژیم آن قدر بزرگ و سرسخت است که قابل کتمان نیست.

حرف‌های خامنه‌ای در روز دوم خرداد و قبل از آن در ۲۸ اردیبهشت، آئینه تمام‌نمای این حقیقت و ترس و وحشت بی‌پایان از مجاهدین و مقاومت است.

حرف‌های ولی فقیه ارتجاع در ۲۸ اردیبهشت، اعتراف به این واقعیت است که رژیم نتوانسته کرونا را به‌فرجه‌یی برای بقای خود تبدیل کند. بنابراین با تیغ‌کشی علیه مجاهدین، خواهان دولت جوان حزب‌اللهی با الگوی سرجلاد قاسم سلیمانی است.

می‌گویند هرگونه عقب‌نشینی برای رژیم از مواضعش بسیار گران تمام می‌شود. زیرا تجربه سقوط شاه را دارد. ولی فقیه ارتجاع به‌امواج گسترده جوانانی اشاره کرد که بعد از انقلاب ۵۷، به‌صافوف مجاهدین پیوستند. با این هدف که توجه مزدورانش را به‌خطر بزرگ دامنگیر رژیم در شرایط کنونی جلب کند که همانا روی آوردن جوانان به‌مجاهدین و کانون‌های شورشی است.

عوامل رژیم را به‌مرزبندی با هواداران مجاهدین و خط‌بستن در مقابل آن‌ها فرا می‌خواند و می‌گوید «هر چه می‌توانید جبهه رژیم را گسترش بدهید و جذب کنید» و تأکید می‌کند «البته منظورم جذب منافق نیست!» بله سرخ‌ترین نام. و تنها مرز سرخ، کماکان مجاهدین است. سپس او به‌عوامل رژیم هشدار می‌دهد که مواظب سمت‌گیری بلافصل اعتراض‌ها و قیام‌ها به جانب سرنگونی باشند و می‌گوید: «نگذارید مطالبه و اعتراض، اعتراض به نظام اسلامی تلقی بشود؛ این مهم است؛... این را جدا مانع بشوید».

حرف خلیفه ارتجاع به واقع بازتاب یک نقطه عطف سیاسی است. او که می‌خواست با کرونا از سرنگونی فرار کند، از شقه و شکاف در رأس حکومت پرده‌برداری می‌کند و از روی آوردن جوانان به مجاهدین پرهیز می‌دهد.

البته خودش بعد از قیام آبان به صراحت می‌گفت که مسأله با مجاهدین و اشرف ۳، مقوله‌یی امنیتی است. چرا که مدعی است که در این «کشور اروپایی کوچک اما شریر و واقعاً خبیث»، چند روز قبل از قضایای بنزین، ما با یک مقام آمریکایی، برنامه‌ریزی کرده و نقشه درست کرده‌ایم. به

گفته خامنه‌ای، نقشه هم همان چیزی بود که ما چند روز بعدش در قضایای بنزین دیدیم. بعد هم اضافه می‌کند که «این که می‌گویم چند روز... این چند روز، تجدید نقشه بود» والا «این کارهایی بود که از قبل کرده بودند و افراد را آماده کرده بودند...».

۳۰ میلیارد دلار از جیب مردم ایران برای سرپا نگهداشتن دیکتاتور سوریه

در روز جمعه ۲ خرداد، یعنی آخرین جمعه ماه رمضان که رژیم مجبور شد بساط نمایش‌های بی رونق روز قدس را جمع کند، خامنه‌ای به جانب فلسطین ویراژ داد و به شلاق کش کردن یاسر عرفات و لجن‌پراکنی علیه رهبر تاریخی فلسطین پرداخت که البته مزید بر شرف و افتخار عرفات است. خامنه‌ای جنایتکار حزب‌الله و حماس را توی سر عرفات چماق کرد و آشکارا گفت برای رساندن تسلیحات به حزب‌الله و حماس برنامه‌ریزی کرده است. این در حالیست که مردم ایران می‌گویند نه غزه نه لبنان و جانم فدای ایران. این در حالیست که رئیس قبلی کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس رژیم اعتراف کرد که تا به حال ۳۰ میلیارد دلار پول از جیب مردم ایران صرف سرپا نگهداشتن دیکتاتور خونریز سوریه شده است و هم‌چنین روزانه ۲۰۰ میلیارد تومان درآمد افزایش قیمت بنزین رژیم است. یعنی پول خون فرزندان ایران.

یادتان هست مسعود در اطلاعیه ارتش آزادیبخش در ۱۷ اسفند در زمانی که آمار جانباختگان کرونا به ۲ هزار نفر رسیده بود، اعلام کرد که :

-«خامنه‌ای باید ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه و دارایی‌های «ستاد اجرایی فرمان خمینی» ملعون و ثروت عظیم انباشته در تعاونی‌های سپاه و بسیج و نیروی انتظامی و بنیاد مستضعفان و پول‌هایی را که در عراق و سوریه و یمن و غزه و لبنان هزینه می‌کند به بهداشت و درمان مردم ایران اختصاص دهد.».

مسعود تاکید کرد که:

-«بودجه اتمی و موشکی رژیم و سرمایه‌ها و امکانات هلال‌احمر که برای صدور ارتجاع و تروریسم مراکز متعددی در خاورمیانه و آفریقا دایر کرده است، باید صرف درمان مبتلایان کرونا و بیماران محروم شود.»

-دارایی‌های آستان قدس رضوی در خراسان که با موقوفات نجومی به نام امام رضا در چنگ خامنه‌ای است پول و سرمایه عظیمی دارد که هم‌اکنون می‌تواند در آستانه سال نو دستمزدها و حقوق پرداخت نشده کارگران و معلمان و کارمندان و هزینه درمان آنها را تأدیه کند»
- و این که: «زندانیان به ویژه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. این تنها راه جلوگیری از فاجعه کرونا در زندان‌های رژیم است».

علل و عواملی که قیام عظیم آبان را شعله‌ور کرد به قوت خود باقی است

امروز به نسبت نیمه اسفند، بعد از دوماه و نیم، آمار قربانیان کرونا ۲۲ برابر بیشتر شده و باکمال تاسف از مرز ۴۴ هزار نفر گذشته است. هر چند که مطلعین می‌گویند آمار واقعی بسا بیشتر است. از این جا می‌توان چشم‌انداز و نقشه مسیر رژیم را دریافت. امروز همه علل و عواملی که قیام عظیم آبان ۹۸ را شعله‌ور کرد، نه تنها به قوت خود باقی است، که بر اثر فاجعه کرونا و سیاست ضدبشری آخوندها، به مراتب ملتهب‌تر شده است.

با رشد اقتصادی منفی ۹ درصد، تورم ۵۰ - ۶۰ درصدی، کسری بودجه پنجاه درصدی و رو به زوال گذاشتن ارزش پول با حذف ۴ صفر که خبر از شکستن کمر اقتصاد رژیم ولایت فقیه می‌دهد. امروز پوسیدگی حکومت نه تنها ترمیم نشده بلکه زیر فشار اعتراض‌های اجتماعی و شکست‌های سیاسی و اقتصادی، سراپای رژیم را ناتوان کرده است. دولت آخوند روحانی نیمه تعطیل شده است. سخنگویان و مقام‌های رژیم جز گفتن دروغ از پس کاری بر نمی‌آیند. نهادهای حکومتی در حال منازعه و کشمکش‌اند و ولی فقیه برای ساقط کردن دولت خیز برداشته است.

امروز نیروی سرنگون‌کننده رژیم، نه تنها بر اثر سرکوب‌ها و دستگیری‌های بسیار، متوقف نشده بلکه خود را به‌ویژه در میان نسل جوان گسترش داده و عزم رزمنده‌اش در کانون‌های شورشی، دشمن را به‌ستوه آورده است.

بله، آخوندها که می‌خواستند از کرونا و از فقر و ناداری مردم استفاده کنند تا موقعیت سرنگونی خود را پنهان کنند، شکست خوردند.

فطر رهایی مردم ایران

خواهران و برادران،

امروز ۴ خرداد است. چهل و هشتمین سالروز جاودانگی حنیف‌نژاد و یارانش. روزی که اگرچه خونین است، اما در آن سنگ بنای فطر رهایی مردم ایران گذاشته شد. تیرهایی که در آن سحرگاه خونین به‌عاشق‌ترین جان‌های زمانه شلیک شد، در خشم عظیمی شعله ور شد که دیکتاتوری شاه را سرنگون کرد.

سلام‌های بی‌پایان به محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و اصغر بدیع‌زادگان، محمود عسکری‌زاده و عبدالرسول مشکین‌فام که در سال ۱۳۵۱ توسط رژیم شاه تیرباران شدند. شاه هرگز گمان نمی‌کرد که با این اعدام‌ها، بذر چه طوفانی را در جامعه ایران می‌پاشد. آخوندها نیز اگرچه تمام تجارب رژیم شاه را برای جلوگیری از سقوط خود به‌کار گرفته‌اند، اما با اعدام و قتل عام مجاهدین و کشتار جوانان شورشگر، همه راه‌ها را به‌روی حکومت درمانده خود بسته و راه سرنگونی را باز گذاشته‌اند.

در آن بهار ملتهب و خون‌بار بود که مسعود، به حنیف گفت نسل تو پایدار خواهد ماند. و از آن پس رنج عظیم پایداری و رستگاری این نسل و این مقاومت را بردوش کشید و پیروزی و آزادی و آینده‌اش را تضمین کرد.

بله امروز، این نسل شورشگر و مشتاق قیام و این کانون شورشی است که عزم رزمنده خود را محکم و پولادین کرده و برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه به‌پا خاسته است.

حالا، زمان آن است که شعله مقاومت و امید را در همه جا فروزان و فروزان‌تر کنیم. فطررهایی مردم ایران این‌چنین از راه می‌رسد و سپیده‌دم آزادی طلوع خواهد کرد. سلام بر آزادی، سلام بر مردم ایران.